



پرسشنامه وان - مرجع پرسشنامه ایران

مقیاس سنجش دنیا گرایی

لطفاً این جمله‌ها را با دقت بخوانید و هر پاسخی را که با وضعیت شما تطبیق می‌کند، علامت بزنید. خواهشمند است برای پاسخ دادن به هر پرسش، زیاد متوقف نشوید و نخستین پاسخی که به ذهنتان آمد و آن را با حال خود مناسب دیدید، علامت بزنید. پیشاپیش از همکاری شما در این پژوهش علمی، متشکرم.

موافقم	تأییدی موافقم	مطمئن نیستم	تأییدی مخالفم	مخالفم	
					۱. معمولاً از وضعیت خود راضی و خشنود نیستم.
					۲. در مصائب و مشکلات بسیار صبور هستم.
					۳. اگر پولی از من گم شود، مدت‌ها فکر مشغول بوده و ناراحتم.
					۴. من هیچ عیب و نقصی در خود نمی‌بینم.
					۵. به‌ندرت به خاطر مسائل مادی عصبانی و خشمگین می‌شوم.
					۶. در زندگی همواره دغدغه‌هایی دارم که مرا به‌شدت نگران می‌کند.
					۷. دارای ضرب و هوشی بسیار بالایی هستم و خیلی زود از مسائل سر در می‌آورم.
					۸. به هر دری که می‌زنم، به خواسته‌ها و آرزوهای خود نمی‌رسم.
					۹. دوست دارم موفقیت‌های خود را برای دیگران تعریف کنم.
					۱۰. بسیار کم صحبت می‌کنم.
					۱۱. در مجموعه‌ای که در آن قرار دارم، احساس می‌کنم هیچ‌کس توانایی‌های مرا ندارد.
					۱۲. احترام اساتید و آموزگارانم را بر خود لازم می‌دانم و پیش پای آنها بلند می‌شوم.
					۱۳. اگر کسی حق از من ضایع کند، هیچ‌گاه از دلم خارج نمی‌شود؛ هر چند او عذرخواهی کند.
					۱۴. به نظر من، دیگران چنان کم‌آلی ندارند تا من به‌خاطر آن، آنان را تحسین کنم.
					۱۵. مشکل مردم عراق و فلسطین به خود آنها مربوط می‌شود؛ ما نباید خود را به‌خاطر آنان به زحمت بیافکنیم.
					۱۶. اگر حق کسی را ضایع کنم، درصدد جبران برآمده و به‌راحتی از او عذرخواهی می‌کنم.
					۱۷. معمولاً در بین خویشاوندان به آنها که ثروت بیشتری دارند، علاقه‌ام زیاده‌تر است.
					۱۸. معمولاً درصدمد خوبی‌های مردم را بیان کنم و بدی‌های آنان را بپوشانم.
					۱۹. از کمک کردن به دیگران لذت می‌برم.
					۲۰. همیشه بدی‌های مردم بیش از خوبی‌های آنان در نظرم جلوه می‌کند.
					۲۱. از این‌که با پوششی ساده، در مجلس باشکوه ثروتمندان وارد شوم، احساس حقارت می‌کنم.
					۲۲. میل ندارم با افراد فقیر ارتباط برقرار کنم و آنها را در شان خودم نمی‌دانم.
					۲۳. از تعریف و تمجید دیگران نسبت به خود، احساس خشنودی می‌کنم.
					۲۴. در عروسی و عزا به‌خاطر حرف دیگران هزینه‌های گزافی را متحمل می‌شوم.
					۲۵. با نشاط نماز می‌خوانم.
					۲۶. به‌ندرت، تنها به‌خاطر ترس از خدا مجلس گناهی را ترک کرده‌ام.
					۲۷. اگر نمازم قضا شود، اصلاً ناراحت نمی‌شوم.
					۲۸. به‌ندرت نمازهایم (مخصوصاً نماز صبح) قضا می‌شود.
					۲۹. در حال آسایش، از شکر خدا غافل نمی‌شوم.
					۳۰. انگیزه چندان برای ادای نماز و روزه مستحبی ندارم.
					۳۱. نگاه به نامحرم برایم به‌صورت امری عادی درآمده و خود را به‌خاطر آن سرزنش نمی‌کنم.
					۳۲. خیلی برایم سخت است که قسمتی از دارایی خود را به اسم خمس یا صدقه، به دیگری بدهم.
					۳۳. وقتی پای وظیفه شرعی در میان باشد، مخالفت دیگران برایم پشتیبانی ارزش ندارد.
					۳۴. تعطیل کار و صرف هزینه بسیار به‌خاطر انجام حج، برایم قابل هضم نیست.
					۳۵. معمولاً بسیار می‌خندم و برنامه‌های فکاهی و سرگرمی را بسیار می‌پسندم.
					۳۶. هنگام صرف غذا، خیلی بیش از حد نیاز می‌خورم.
					۳۷. بسیار می‌خوابم و احساس می‌کنم نیازم به خواب برطرف نمی‌شود.
					۳۸. دوست دارم ماشین مدل با لای گرانی قیمت داشته باشم.
					۳۹. برای آسایش خاطر سعی می‌کنم همیشه مبلغ قابل توجهی پس‌انداز داشته باشم.
					۴۰. دوست دارم منزلی وسیع، مجلل و با تزیینات عالی داشته باشم.
					۴۱. برای من کسب درآمد مهم است؛ مهم نیست از چه راهی باشد.
					۴۲. هنگام غذا بسیار نشاط دارم.

					۴۳. با پول می‌شود هر مشکلی را حل کرد و از دیگران بی‌نیاز شد.
					۴۴. به تجملات و پوشش ظاهری بسیار حساسم و اگر لباسم از مد بیفتد دیگر آن را نمی‌پوشم؛ اگرچه نو باشد.
					۴۵. گاهی برای جلب توجه دیگران، به فکر جراحی پلاستیک می‌افتم.
					۴۶. بسیاری از احکام اسلامی با زمان ما سازگار نیست و احتیاج به تغییر و اصلاح دارد.
					۴۷. حجاب با حد و مرزی که عالمان دینی می‌گویند، بسیار پرزحمت، دست‌وپاگیر و غیرقابل اجراست.
					۴۸. سنگسار، اعدام، شلاق و بریدن دست که حد شرع است، انسانی نیست و با حقوق بشر سازگار نمی‌باشد.
					۴۹. ما هم مانند جوامع متمدن، به‌جای اعدام و... باید با افراد خاطی مثل بیمار برخورد کنیم.
					۵۰. بانک‌داری بدون ربا قادر به رقابت با بانک‌های جهانی نیست و باید تغییر کند.
					۵۱. تبعیض‌هایی که بین زن و مرد وجود دارد (از قبیل دیه، ارث و قیمومیت) باید از بین برود.
					۵۲. افرادی که به‌جای اضافه‌کاری و کسب درآمد بیشتر، وقت زیادی را در مساجد و مجالس مذهبی می‌گذرانند، نرمال نیستند.
					۵۳. دنیا چنان جذاب است که می‌گویم نقد را بچسب؛ حالا کو تا آخرت.
					۵۴. حرام بودن و یا پایان‌پذیری، چیزهایی نیست که بشود به‌خاطر آن از این همه لذات دنیوی بگذریم.
					۵۵. مرگ يك حادثه سهمناك است و من به‌ندرت درباره آن می‌اندیشم.
					۵۶. هیچ‌گاه برای رسیدن به لقای الهی و دیدار ائمه معصومین علیه السلام آرزوی مرگ نکرده‌ام.
					۵۷. دوست دارم صدها سال زنده بمانم و از لذات دنیا بهره ببرم.
					۵۸. هیچ‌گاه اعمال خود را بررسی نکرده‌ام تا از کارهای بد احتمالی پشیمان شوم.
					۵۹. به‌شدت از مرگ می‌ترسم و نمی‌توانم آن را به‌عنوان يك حقیقت مسلم بپذیرم.
					۶۰. بعید می‌دانم وقتی انسان بمیرد و تنها خاک و استخوانی از او باقی بماند، دوباره زنده شود.